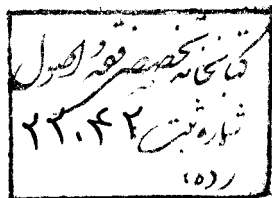


بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه و زندگی (۱۴)



احکام و آداب سینما و فیلم سازی

سعید عباس زاده

زیر نظر: محمد حسین فلاح زاده

عباس زاده، سعید، ۱۳۴۵ -
احکام و آداب سینما و فیلمسازی / سعید عباس زاده؛ زیر نظر
محمدحسین فلاح زاده. - قم: نورالسجاده، ۱۳۸۳.
۷۲ ص. - (فقه و زندگی؛ ۱۳)

ISBN 964-7163-51-7 : ۴۵۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. سینما (فقه). ۲. سینما -- جنبه های مذهبی -- ۳. هنر و دین. الف.
فلاح زاده، محمدحسین، ۱۳۳۹. - ب عنوان.
۲۹۷/۳۷۹ RP۱۹۸/۶/ ۹۶۲ س
کتابخانه ملی ایران ۲۸۹۱۵ - ۸۳

انتشارات نورالسجاده

قم، تلفن ۷۷۷۵۸۰۵



نام کتاب: احکام سینما و فیلم سازی
مؤلف: سعید عباس زاده
ویراستار: علی کرم جلالوند
به سفارش: ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر
ناشر: نورالسجاده
چاپ: اعتماد
صفحه آرا و حروف نگار: آشنا
نوبت و تاریخ چاپ: اول، ۸۳
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۵۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۱۶۳-۵۱-۷

فهرست

۷.....	سخن‌ناشر
۹.....	هنر تصویری
۱۰.....	فقه تصویر
۱۱.....	مشروع بودن آفرینش تصویر
۱۴.....	ماهیت فیلم
۱۵.....	مقررات تولید فیلم
۱۷.....	عوامل و عناصر سازنده فیلم
۱۹.....	تهیه‌کننده
۲۰.....	فیلمنامه یا دستمایه فیلم
۲۷.....	دیدگاه حقوقی
۳۰.....	مقررات ثبت اثر
۳۱.....	ساختار و محتوا
۳۴.....	فیلم مفسده‌انگیز
۳۷.....	حقوق بازیگران
۴۲.....	بازیگری در نقش معصومان علیهم‌السلام

۲۳.....	حضور زن در فیلم
۲۵.....	۲. پوشش
۲۷.....	۱. بازیگری بانوان
۲۷.....	۳. محارم فرضی
۲۹.....	۴. حدود گفتگو
۵۰.....	۵. حدود تماس بدنی
۵۲.....	۶. نگاه کردن
۵۳.....	ریبه و لذت بردن
۵۵.....	تحریک جنسی
۵۶.....	نتیجه
۵۷.....	همانندی زن و مرد
۵۸.....	گریم و آرایشگری
۶۰.....	فقه صحنه
۶۲.....	فقه ارزیابی
۶۴.....	موسیقی فیلم
۶۶.....	ترانه در فیلم
۶۸.....	خرید و فروش فیلم
۶۹.....	نظارت بر سالن‌های سینما
۷۲.....	منابع

سخن ناشر

از نظر اسلام، همان گونه که دین، راهنمای اندیشه، اخلاق و عبادت است، راهنمای انتخاب شغل و بایدها و نبایدها در قلمرو تولید، توزیع، مصرف، مدیریت و اقتصاد نیز هست. شناخت صنایع و مشاغل حلال و حرام ضرورت زندگی اسلامی است. مشاغل مختلف، صدها حکم واجب و مستحب و شرایط حقوقی و اخلاقی دارد که دانستن آن در سلامت روابط اجتماعی و تکامل اخلاقی و معنوی انسان اثر می‌گذارد. همچنین صدها حرام و مکروه دارد که انجام آن فضای زندگی جمعی و اسلامی را آلوده می‌سازد و ابهام آن، دلهره و تردید می‌آفریند. آشنایی با احکام ویژه هر صنف برای دست اندرکاران آن ضرورت حتمی و برای مراجعان به آن مشاغل نیاز قطعی و برای اهل مطالعه دانش اجتماعی و دینی مفید است.

طرح پژوهشی «فقه و زندگی» که با سفارش «ستاد

احیاء امر به معروف و نهی از منکر» و همت «پژوهشکده باقرالعلوم (ع)» و نظارت علمی حجة الاسلام محمد حسین فلاح زاده شکل گرفته، پاسخی است به نیازهای بشر در همه عرصه‌های زندگی، مجموعه حاضر نقطه پیوند «فقه» و «زندگی» است؛ که چگونگی تامین معیشت حلال را به مسلمانان و صاحبان مشاغل گوناگون می‌آموزد و فقه را از تئوری به عمل نزدیک می‌سازد. امیدواریم برای تکمیل این مجموعه همچنان از حمایت‌های فکری و مالی ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر بهره‌مند گردیم. به امید آن که بتوانیم گامی هر چند کوچک در راستای ترویج احکام متعالی اسلام برداریم.

خواهشمند است هر گونه نقد و نظر تجربی و علمی خود را جهت تکمیل این مجموعه با ما به نشانی: قم - بلوار ۱۵ خرداد، شهرک جهاد، خ عبداللهی، پلاک ۳۷، یا تلفن ۰۲۵۱-۷۷۷۵۸۰۵ در میان بگذارید.

انه ولیّ قدیر

انتشارات نورالسجاد

هنر تصویری

هنر تصویری و به عبارتی پدیدهٔ فیلم در متون دینی به صراحت بیان نشده است، لکن وقتی تولید فیلم و مراحل و ابعاد مختلف آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، مجموعه‌ای از مسائل و احکام متنوع فقهی نیز به چشم می‌خورد. این واقعیت، هم در نگاه کلی به هنر سینما و هم در ارزیابی عناصر همسو و متنوع شکل‌دهندهٔ آن دیده می‌شود. این ذهنیت که فقه محدود کننده است و حضور آن در عرصه‌های هنر، به ویژه هنر تصویری؛ چون سینما، تلویزیون و تصاویر متحرک، مساوی با محدود شدن آن و یا به تعبیری کاسته شدن از واقع‌گرایی این هنر است، انگاره‌ای دور از واقعیت و برخاسته از عدم شناخت این دو پدیده است.

به طور واضح آنچه مدّ نظر فقه است شناخت این پدیده‌ها و آشنایی با عوامل و عناصر اثرساز در کنار هم و

بازشناسی مرزها و جوانب مرتبط با حقوق و وضع افراد است. وجه نظارتی آن نیز صرفاً در جهت درک روابط بین ساختار و محتوا و رسیدن به سازه‌های متناسب نسبت به محتواست. چنین نگرشی، نه تنها حضور فقه را در عرصه هنر محدود کننده نمی‌داند، بلکه با توجه به پیچیدگی موضوعی، که از ماهیت ترکیبی این هنر نشأت گرفته است، فقه محوری پدیده هنر را، امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

فقه تصویر

فیلم، تلاشی است برای تحقق واقعیت بصری و سمعی. به تعبیری دیگر؛ آفرینش اثری، هنری است که در جهت اهداف مشخص تولید می‌شود.

در مباحث فقهی، نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است: آفرینش هنری، بدون توجه به محتوا، از نظر فقهی چه حکمی دارد؟ آیا این آفرینش به خودی خود، امری مباح و جایز است یا فقه پیرامون آن شرطی را مطرح می‌سازد؟ علاوه بر این، آیا آفرینش با داشتن رسالت معنوی است که مشروعیت یافته

است؟ در هر صورت، نخستین مرحله برخورد فقه با پدیده تصویر، به عنوان خلق یک اثر هنری، و زمینه وارد شدن فقه به قلمرو این پدیده، شناخت جایگاه آن می‌باشد که ضروری و لازم است.

مشروع بودن آفرینش تصویر

فقه‌های شیعه در ارتباط با هنر تصویری دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی با درک اهمیت آن در عصر حاضر و کاربردی که تصویر در زمینه‌هایی چون: پزشکی، تعلیم و تربیت و علوم فضایی و... دارد، ابعاد آن را مورد مطالعه قرار داده و احکام متعددی را برای این موضوع بیان کرده‌اند.

امام خمینی رحمته‌الله با عنایت به واقعیت فیلم، آن را از نقاشی و مجسمه متفاوت دانسته و با جدا ساختن حرفه پیکرتراشی از تصویرگری، تصویرگری را جایز شمرده^۱ و حتی از نظر ایشان تصویر متحرک که شامل فیلم و انیمیشن می‌گردد، از مصادیق تصویرگری که در روایات از آنها نهی شده خارج گردیده است.

«آفرینش تصویر توسط ابزار و آلات بخصوص (همانند دوربین) که در عصر ما متداول و معمول شده، جایز است»^۱، بلکه می‌توان گفت، ظاهراً این قبیل تصویرگری از مصداق آنچه به عنوان تصویر آمده خارج است.

فیلم و تصویرهای متحرک در واقع همان عکس‌های معمولی هستند که در هر ثانیه ۲۴ عکس از آنها قاب شده و به جهت خطای دید بیننده، متحرک به نظر می‌آیند.

این دیدگاه، امروز نظر بسیاری از فقهای شیعه بوده و در اصطلاح فقهی به مرز شهرت رسیده است.

امام خمینی رحمته الله علیه مشروع و یا نامشروع بودن سینما را دوری سینما از فحشاء و یا آلوده بودن به آن می‌داند. کتابهایی که واژه‌های فقهی را تفسیر نموده‌اند فحشاء را این‌گونه بیان کرده‌اند؛ فحشاء، یعنی زشتی، هرزگی و هر گونه مرزشکنی که به مفسده انجامد و ممکن است در هر یک از اعمال انسان؛ اعم از کردار، رفتار و گفتار او بروز نماید. برخی گفته‌اند فحشاء این است که انسان

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۹۷؛ رساله نوین، ص ۲۰۴.

زشتی را به صراحت بیان کند.

با توجه به وسعت معنای فحشاء و مفسده، فیلم باید دارای این ویژگیها باشد:

- تحریک کننده نباشد.

- بیان گر زشتی‌های مفسده‌انگیز نباشد.

- بازیگران در پوشش، حرکات و ظواهر، اخلاق انسانی و اسلامی را رعایت نمایند.

- در گفتگو یا دیالوگ متن، متانت، وقار و عفت گفتار مورد توجه قرار گیرد و مشتمل بر مطالب دروغ و غیر واقع و توهین به دیگران و مقدسات و غیبت و آموزش زشتی‌ها و افشاء اسرار مؤمنان و نظام اسلامی نباشد.

امام خمینی رحمته‌الله در ارائه الگو برای یک فیلم خوب و درست، پیام اخلاقی، تربیتی و میزان آگاهی‌دهی آن را مطرح می‌سازد،^۱ که این نشان می‌دهد وی علاوه بر نگاه فقیهانه و توجه به حد و مرزها، معیارهای اجتماعی، تربیتی و انسانی را نیز مد نظر داشته است. از طرفی این واقعیت را نیز آشکار می‌سازد که فیلم در ماهیت و حقیقت خود چیزی نیست که شریعت

اسلامی حکم به حرام بودن آن کرده باشد، بلکه آنچه حائز اهمیت بوده و شریعت نیز درباره آن سخن گفته پی‌آمدهای جانبی آن - که ناظر بر نظام اخلاقی و کمالات معنوی افراد است - می‌باشد. به جرأت می‌توان گفت سینما، که تقریباً یک قرن از پیدایش آن می‌گذرد، در شریعت اسلامی جایگاه و اهمیت خود را یافته و به ویژه در نظر فقهای معاصر قدرت و وسعت آن در مقیاس سایر رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

ماهیت فیلم

فیلم به لحاظ ماهیت، عبارت است از آنچه که به عنوان نرم‌افزار در روی ماده «سلولوئید»^۱ ضبط می‌گردد و با مکانیزم خاصی قابل نمایش و دیدن است. امروزه رایانه‌ها در عرصه تولید، امکان ساخت تصویر و ضبط آن بر روی دیسک‌های نوری را نیز ممکن و عملی ساخته‌اند. همچنین در صنعت فیلم‌سازی کارهایی که به ساخت انیمیشن مربوط می‌گردد در سیستم‌های

۱. نوارهای نرم از جنس پولیستر که به جهت استحکام، در نوارهای فیلم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رایانه‌ای طراحی شده و به صورت تصاویر متحرک نمایش داده می‌شود. این نوع تصاویر نیز به جهت این که همانند فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی دارای خط داستان بوده و یا انتقال دهنده مفاهیم و معنا می‌باشند، همانند فیلم‌های معمول و متعارف مورد توجه قرار گرفته‌اند و می‌توان گفت چه از نگاه عرف تخصصی و چه از نگاه عرف عمومی به برنامه‌های این چنین نیز فیلم اطلاق می‌گردد. این مسئله در بخش موضوع و مصداق‌شناسی که پیش از مرحله فتوا انجام می‌گیرد، حائز اهمیت است.

مقررات تولید فیلم

در مقررات ناظر بر تولید فیلم، در قانون جمهوری اسلامی ایران موارد زیر مدّ نظر قرار گرفته است^۱:

۱. فیلم‌ها باید از اهانت مستقیم و غیر مستقیم به پروردگار، ادیان، کتب آسمانی، پیامبران علیهم‌السلام، مقدّسات، ائمه اطهار علیهم‌السلام، روحانیت و مظاهر مذهبی به دور باشد.

۱. حقوق آفرینش‌های فکری، حمید آینی، ص ۱۷۲.

۲. مرام‌های غیر قانونی و معاند با نظام اسلامی تبلیغ و ترویج نشود.
۳. به باورهای دینی و مذهبی ملت مسلمان ایران اهانت نگردد.
۴. مسائلی که موجب اختلاف و تفرقه یا تحقیر گروه خاصی می‌گردد، طرح نشود.
۵. خرافات یا موهوم‌پرستی، احضار ارواح و جن‌گیری و جادوگری به عنوان دستمایه فیلم قرار نگیرد.
۶. پایه‌های ارزشی اسلام و انقلاب اسلامی سست و مخدوش نشان داده نشود.
۷. سنت‌های غلط جامعه احیاء نگردد.
۸. تصاویر و محتوا نباید موجب جریحه‌دار شدن احساسات مسلمانان گردد.
۹. از پخش و نمایش فیلمی که در آن رفتار و کردار تبه‌کارانه و جنایتکارانه تبلیغ و ترویج می‌شود پرهیز شود.
۱۰. از زبان و لهجه اقلیت‌های دینی و اقوام مختلف ایرانی به قصد توهین استفاده نشود.

۱۱. آراء و زندگی مفاخر مذهبی مورد تحریف قرار نگیرد.

۱۲. با ارائه صحنه‌های سطحی از دعا و نیایش موجب ضد تبلیغ نگردد.

۱۳. قوای نظامی و انتظامی ضعیف نشان داده نشود.

۱۴. از تحریف وقایع تاریخی پرهیز شود.

۱۵. حقوق متقابل خانواده و منزلت پدر، مادر و سایر اعضای خانواده رعایت گردد.

جالب توجه این که همه موارد یاد شده مبنای فقهی داشته و در دستورات معاشرتی و احکام فردی و اجتماعی به یکایک این موارد اشاره شده است.

عوامل و عناصر سازنده فیلم

فیلم، «محصول نمایشی» است که با همکاری جمعی و ایفای نقش تعدادی افراد پدید می‌آید و از منظر فقه اسلامی - به عنوان یک پدیده یا اثر مشترک - قابل طرح و بررسی است.

در عقد قرارداد باید حریت افراد محترم شمرده شود

و مفاد قرارداد از هر گونه سلطه صاحب‌کار بر زیر دستان به دور باشد. همچنین، بر اساس آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾^۱ حقوق افراد مطابق محتوای قرارداد پرداخت شود.

تهیه‌کننده، کارگردان، بازیگر، تصویربردار، صدابردار، نورپرداز، صحنه‌پرداز، گریمور، عوامل حمل و نقل، جلوه‌های ویژه و بالآخره تدوین‌کننده و صداگذار، عواملی هستند که به نوعی در پدید آمدن فیلم، ایفای نقش می‌کنند و هر کدام در جایگاه خاص خود حقوق متمایزی داشته و در مقیاس کار و نسبت خود با فیلم، حقوق و دستمزد دریافت می‌کنند.

تولید فیلم به لحاظ این که امروزه تبدیل به صنعت* شده و در ردیف امور تجاری و تولیدی قرار گرفته است، باید از ضوابط فقهی حاکم بر تولید و تجارت پیروی کند.

۱. مائده، ۱.

* صنعت، یعنی حرفه؛ سینما در بدو ظهور به عنوان هنر مورد توجه بود. بعدها این هنر تبدیل به کار و حرفه شد و ویژگی صنعت به خود گرفت.

مباح بودن اصل سرمایه، اتخاذ شیوه و مکانیزم درست و عادلانه در تولید و مشروعیت غایت و هدف تولید فیلم، برخی از امور قابل توجه در این زمینه هستند.

تهیه کننده

در تولید فیلم جایگاه تهیه کننده مشخص است. تهیه کننده اگر شخص حقیقی باشد، بر اساس ضوابطی که سیاست فرهنگی کشور برای فیلم و فیلمسازان تدوین و تصویب کرده، برنامه‌های مقدماتی خود را شروع می‌کند و با تعریف و ارائه چارچوب معین با افراد دیگر ارتباط برقرار می‌سازد. این مرحله، مرحله پیدایش تولید است. سپس فیلمنامه‌ای که توسط تهیه کننده انتخاب گردیده، با هماهنگی کارگردان، در اختیار عوامل و عناصر تولید فیلم قرار می‌گیرد و با افراد انتخاب شده قرارداد بسته می‌شود.

در آموزه‌های دینی توصیه شده که: «حقوق کارکنان طرف قراردادتان را قبل از خشک شدن عرق بدنشان

بپردازید.»^۱ و این بدان معناست که در پرداخت حق‌الزحمه و حقوق عوامل و افراد دست‌اندر کار که مزد آن‌ها برعهده شماسست تأخیر نکنید، بلکه هر چه سریع‌تر بپردازید.

در قرآن سفارش شده که: از حقوق مردم (کارکنان) چیزی کم نکنید.^۲

فیلمنامه یا دستمایه فیلم

فیلمنامه، عبارت است از ایده یا داستانی که شکل نهایی نمایشی به خود گرفته و یا به عبارتی دراماتیزه شده، و به عنوان اثر هنری، دارای ارزش مادی و معنوی است. نخستین بحثی که در ارتباط با فیلمنامه مطرح می‌شود، این است که تهیه‌کننده پیش از شروع به تولید فیلم، باید حقوق مربوط به فیلمنامه را مشخص کند. اگر فیلمنامه متعلق به کسی است که زنده و مشخص است بدون اجازه از صاحب اثر تصرف در آن جایز نیست. فیلمنامه، به عنوان اثری مفید که ارزش

۱. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۵۷.

۲. اعراف، ۸۵.

مالی دارد، قابل خرید و فروش است. اثر، متعلق به کسی است که به نام او ثبت شده است.

موضوع دیگری که در این بحث مطرح شده در ارتباط با اقتباس است. اقتباس در فیلمنامه به معنای گرفتن بخشی از یک اثر مکتوب است. اگر در شناسنامه آن مضمون این عبارت که «برداشت از این اثر به هر طریقی مشروط به اجازه است» قید شده باشد، صاحب اثر اقتباس از اثرش را ممنوع ساخته است. اگر در یک اثر، چیزی با این مضمون قید نشده باشد، در صورتی که از چنین آثاری اقتباسی صورت گرفته، باید در پاورقی به اثر اقتباس مستند شود.

اقتباس از آثار مهم و شناخته شده ادبی از دیر زمان در دنیا رایج بوده است. برخی از فقها با توجه به این که نوشته را به عنوان اثر معنوی و الهام شده از طرف حق می‌دانند بهره‌برداری و انتشار آن را مشروط به اجازه مؤلف نمی‌دانند و برخی نیز به دلیل این که با پرداخت حق التألیف، خریدار را مالک اثر می‌دانند هر گونه اقتباس و بهره‌برداری از آن را حق مسلم خریدار می‌دانند.

فتوای امام خمینی رحمته الله علیه بر این است:

«آنچه که [در پشت کتابها] معروف به حق طبع است، حق شرعی به حساب نمی‌آید، و نفی سلطهٔ مردم بر اموالشان [خریداران کتاب] بدون این که هیچ‌گونه شرط و عقدی در میان باشد جایز نیست. بنابراین، دیگران می‌توانند آن را چاپ نموده و از آن تقلید کنند و هیچ‌کس نمی‌تواند مانع آنها از این کار شود.»^۱

در توضیح این فتوا نوشته‌اند: امام خمینی رحمته الله علیه به وجه عقلی و عرفی مسأله توجه دارد که منع کردن مردم از تقلید در امور مربوط به اختراعات و حرفه‌ها و ساختن از روی نمونه‌ها و بهره گرفتن از نتیجهٔ فکری گذشتگان از نظر عقلی و عرفی کار درستی به شمار نمی‌آید و چیزی را که پایهٔ تکامل و ترقی است نمی‌توان تصرف در حقوق دیگران دانست.^۲

با این همه، امام خمینی رحمته الله علیه در فتوای خود اشاره می‌کند، چنین عملی هنگامی جایز است که شرطی دلالت‌کننده بر اجاره در بین نباشد که در صورت

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۹۵.

۲. مستند تحریر الوسیله، احمد مطهری، ص ۱۸۷.

بودن چنین شرطی، عمل به شرط لازم است.^۱
 به عبارت دیگر اگر مطابق قرارداد یا شرطی فیما بین
 تولید کننده اثر و خریدار آن حق تکثیر و نسخه‌برداری
 از آن ممنوع شود، خریدار نیز باید به همین قرارداد و
 شرط عمل کند و از نظر امام خمینی رحمته‌الله نوشتن پشت
 جلد کتاب یا در شناسنامه اثر، قرارداد و شرط فیما بین
 به حساب نمی‌آید و عمل به آن الزامی نیست.

در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ ش، با توجه به آشفته
 بودن بازار اقتباس و رواج سرقت آثار ادبی و هنری، از
 طرفی به علت ابهام در قانون «حمایت از نویسندگان و
 هنرمندان» آقای دکتر علی لاریجانی، وزیر وقت وزارت
 فرهنگ و ارشاد اسلامی، در نامه‌ای خطاب به رئیس
 قوه قضائیه؛ آیت‌الله یزدی، حمایت از حقوق
 پدیدآورندگان را خواستار گردید. رئیس قوه قضائیه، با
 مبنا قرار دادن نظر اکثر فقهای معاصر، حکم زیر را برای
 مراکز مربوطه صادر می‌کند:

«... تهیه دیسک‌های کامپیوتری یا فیلم‌های

سینمایی و به طور کلی آثار سمعی و بصری که با

زحمت فراوان و بهره‌گیری از تکنولوژی و نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای لازم تهیه و آماده می‌شود، که هر یک از این کارها به نوبه خود منشأ کسب است که عرف و عقل آن را به روشنی درک نموده و شرع نیز آن را ردّ نفرموده است...

از طرفی وجود افراد بی‌سواد و کم‌اطلاع به حقوق، که حاصل زحمات محقق و نویسنده و هنرمند را به یغما برده و میلیون‌ها تومان از آن استفاده می‌کنند و گاهی حتی دیناری هم به صاحب اثر داده نمی‌شود، ظلم روشن و مشخص است که از نظر ما این حق برای مؤلف، مترجم، نویسنده، هنرمند و تهیه‌کننده شرعی و بر اساس ماده دوم و سوم قانون حمایت از حقوق مؤلفان و محققان و هنرمندان، دارای مبنای قانونی است که می‌تواند برای خود محفوظ نگاه دارد، و یا بر اساس قرارداد قانونی به هر کسی که مایل باشد واگذار کند و در این قرارداد شرایط مورد نظر خود را منظور دارد که تخلف از آن تصرف در حق غیر شناخته شده و قابل تعقیب کیفری است. نظر شرعی لازم‌الرعايه و لازم‌الاجرای مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز همین مطلبی است که

توضیح داده شد.»^۱

س: آیا چاپ کتاب بدون اجازه صاحب آن و با وجود عبارت «حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است» جایز است؟

ج: «احوط این است که حقوق مؤلف و ناشر با کسب اجازه از آنان برای تجدید چاپ رعایت شود.»^۲

س: آیا جایز است مؤلفان و مترجمان و صاحبان آثار هنری مبلغی را در برابر زحماتشان و یا به عنوان حق التألیف در مقابل تلاش و وقت و مالی که برای انجام آن کار صرف کرده‌اند تقاضا نمایند؟

ج: «آنان حق دارند در برابر واگذاری نسخهٔ اوّل یا اصلی اثر علمی و هنری خود به ناشر، هر مبلغی می‌خواهند دریافت نمایند.»^۳

از نظر ایشان حتی گرفتن پول در برابر یک اثر، دلیل

۱. حقوق آفرینش‌های فکری، ص ۵۲، به نقل از فصلنامهٔ رهنمون،

مدرسهٔ عالی شهید مطهری، شمارهٔ ۲ و ۳، زمستان ۷۱، ص ۲۱۴.

۲. رسالهٔ اجوبة الاستفتائات ترجمهٔ فارسی، ص ۹۰، س ۲۵۵.

۳. همان، ص ۸۹، س ۲۵۱.

آن نمی‌شود که حقوق پدیدآورنده نسبت به اثر خود نادیده گرفته شود، مگر این که چنین حقی، طبق قرارداد لغو و حق هر گونه بهره‌برداری به طور مطلق به فرد دیگر منتقل گردد.

س: در صورتی که مصنف به علت سفر یا فوت و مانند آن غایب شود درباره تجدید چاپ از چه کسی باید کسب اجازه شود و چه کسی باید پول را دریافت کند؟

ج: «در این مورد باید به وکیل یا ولی شرعی او

و یاد در صورت فوت به وارثین وی مراجعه

شود.»^۱

آیت‌الله مکارم شیرازی دامت برکاته در این باره

می‌گوید:

«ما معتقدیم که حق طبع و تألیف و اختراع و مانند آن

یک حق شرعی و قانونی است، و از نظر اسلامی باید

به آن احترام گذاشت. به تعبیر دیگر، اهمیت

مالکیت‌های فکری کمتر از مالکیت‌های عینی

نیست و حکومت اسلامی باید عهده‌دار حفظ آنها

باشد [در مورد مالکیت‌های فکری] اسلام می‌گوید:

ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران حرام است و

کسی حق ندارد در ملک دیگری بدون رضایت او تصرف کند.^۱

آنچه که در فتوای مراجع کنونی آمده، بیانگر این مهم است، علیرغم این که جمهوری اسلامی ایران به دلایلی به «کپی‌رایت»^۲ نپیوسته است، لکن بدون تردید با مبنا قرار گرفتن احکام و دستورات دینی و با جدی گرفتن نظرات فقها، نویسندگان و صاحبان آثار به حقوق مسلم خود خواهند رسید.

دیدگاه حقوقی

آنچه به عنوان حقوق مؤلفان و صاحبان آثار در حقوق کنونی ایران آمده عبارت است از مجموعه مقررات و قوانین کلی که در سال ۱۳۴۸ ه.ش، به تصویب رسیده و بعدها نیز چندین بار اصلاح و تکمیل

۱. حقوق آفرینش‌های فکری، ص ۷۰.

۲. کپی‌رایت copyright، به حق تألیف، حق طبع و نشر انحصاری گفته می‌شود که در سال ۱۹۸۷ م. به وجود آمده و در ۱۹۰۹ با تغییرات و اصلاحات و پس از مطابقت دادن آن با استانداردهای بین‌المللی در آمریکا و در برخی از کشورهای اروپایی به مرحله اجرا گذاشته شده است.

گردیده است و اکنون هم به عنوان قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان عمل می‌شود. به مواردی (۱، ۲، ۵، ۶، ۷) از این مقررات، که با موضوع این نوشتار ارتباط پیدا می‌کند، اشاره می‌گردد^۱:

ماده ۱: «به مؤلف و هنرمند، پدیدآورنده، و به آنچه که از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن سلیقه یا روشی که در بیان ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته، «اثر» اطلاق می‌شود.

ماده ۲: آثاری که مورد حمایت قرار گرفته، دوازده عنوان می‌باشد، که نمایشنامه و فیلمنامه جهت تهیه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی از جمله آن به شمار می‌رود.

ماده ۵: پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند، استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد به غیر منتقل کند.

ماده ۶: اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد،

اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن، حق مشاع^۱ پدیدآورندگان است.

ماده ۷: نام و عنوان و نشان ویژه‌ای که معترف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به کار برد.

دیدگاه‌های حقوقی که در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان مطرح شده است با آنچه که در فقه اسلامی به عنوان حق شرعی حقوق مؤلف آمده مطابقت دارد و چنانچه گذشت، فقهای شیعه نیز همه گونه تصرف در آثار معنوی را منوط به اجازه پدیدآورنده دانسته‌اند.

استاد شهید مرتضی مطهری می‌گوید: در کار، علاوه بر جنبه‌های مادی و مقدار انرژی مصرف شده، باید جنبه‌های معنوی آن را نیز در نظر گرفت.^۲

در ارتباط با پدیده کتاب و آثار مکتوب می‌گوید:

-
۱. حق مشاع: حق جدا نشده که همه شرکاء در تمام آن شریک‌اند و حق هر کدام به طور جداگانه و تقسیم شده معلوم نیست.
 ۲. نظری بر نظام اقتصاد اسلام، مرتضی مطهری، ص ۱۲۴.

«امتیاز کتاب به مؤلف تعلق دارد. مالک کاغذ و قلم حق دارد از روی نسخهٔ ملکی که خریده است برای مطالعه نسخه‌برداری کند، اما حق ندارد با کاغذ و مرکب و حروف چاپی و ماشین خود هزار نسخه از روی نسخهٔ خود چاپ کند و به فروش رساند.»^۱

مقررات ثبت اثر

ثبت اثر، تابع ضوابط مطرح شده در مقررات و آئین‌نامه‌های نهادهای مربوطه است که در کشور جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عهده‌دار این وظیفه است.

فصل اول از مادهٔ ۱ از این مقررات می‌گوید:

ثبت اثر، طبق درخواست در نامه‌های چاپی، که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و در اختیار درخواست‌کنندهٔ ثبت اثر گذارده می‌شود، به عمل می‌آید و باید در دو نسخه به زبان فارسی نوشته و امضا شود و حاوی مشخصات شناسنامه‌ای پدیدآورنده یا

پدیدآورندگان و تاریخ تولید اثر است.^۱

بعد از ابلاغ نامه رئیس قوه قضائیه وقت، مبنی بر شرعی دانستن حق نویسندگان و مطابقت آن با رأی فقها، در تاریخ ۶/۶/۷۳، لایحه مجازات اسلامی با قانونی دانستن حق نویسندگان و پدیدآورندگان آثار، یک ماده بر لایحه مذکور الحاق کرد. بر اساس این ماده الحاقی، استفاده بدون اجازه از آثار مکتوب، از موارد تصرف در آثار قلمداد شده است.^۲

ساختار و محتوا

در سینما، نظریه‌ای می‌گویند موضوعاتی که به پدیده دین و مسایل انسانی و فکری می‌پردازد باید در ساختارهای خاص خود ارائه گردد. چرا که اگر غیر از این باشد، نمی‌تواند تأثیرگذار باشد. این مسئله بیانگر آن است که در فقه شیعه محتوا و شکل فیلم، همانند سایر انگاره‌ها، از نظر اصالت و اهمیت هر دو یکسان هستند، برخلاف سایر ادیان که بیشتر محتواگرا هستند. فقه

۱. حقوق آفرینش‌های فکری، ص ۸۳

۲. حقوق آفرینش‌های فکری، ص ۵۲

اسلامی، به ویژه فقه شیعه، بر شکل و ساختار نیز تأکید دارد و اشکال، نمادها و نشانه‌ها را جدا از محتوا قلمداد نمی‌کند. این نگرش همان‌طور که بر معماری و گرافیک و نقاشی تأثیر گذاشته در هنر سینما نیز مورد توجه است.

در واقع می‌توان گفت محتوا و شکل دو رکن اساسی تعیین‌کننده جهت و غایت فیلم به شمار می‌روند. با ساختار است که می‌توان یک فیلم را دینی ارزیابی کرد و یا ضد دین دانست و همین‌طور است از حیث محتوا که در جای خود القاء‌کننده مفاهیم ارزشی یا غیر ارزشی است. بعضی‌ها معتقدند همین نشانه‌های ساختاری و محتوایی در پدیده‌ها، مرز بین مذهبی و غیر مذهبی بودن را معین کرده است.

در هنر سینما نشانه‌های ساختاری را می‌توان در سرعت، زاویه، کادربندی، صحنه‌پردازی، نور و رنگ و فضا مورد مطالعه قرار داد. از نظر فقها فیلمی که به موضوعات دینی می‌پردازد، باید از حیث قالب حتی در روش ارائه نیز با آنچه که به عنوان محتوا در فیلم مطرح شده است، همخوانی داشته باشد، و هر دو با قوانین و مقررات دینی هماهنگ باشد.

محتوا، شامل همه پدیده‌هایی است که به عنوان موضوعات دینی شناخته می‌شوند. طرح اصول اعتقادات، پرداختن به مفاهیم بلند دینی و عرفانی، پرداختن به زندگی شخصیت‌های بزرگ اسلامی و مذهبی در هر فیلمی که باشد آن را جهت‌دار کرده و رعایت برخی از شرایط را ضروری می‌کند.

این مسئله را، به صورت پراکنده، می‌توان در آراء و دیدگاه فقه‌های معاصر ملاحظه کرد: «پرداختن به موضوعات دینی و عرفانی و یا تولید فیلم در ارتباط با زندگی علمای بزرگ و صاحب‌شان دینی و یا هر فیلمی که به نوعی در ارتباط با فرهنگ دینی ساخته شده باشد، به شرطی جایز است که حریم‌های شناخته شده از هتک و آسیب به دور بماند و منتهی به ضایع شدن ارزش و عظمت این محتوا نگردد... در این که فیلم می‌تواند در جهت روشنگری و آگاهی جامعه قرار گیرد، تردیدی نیست و می‌توان از این ابزار در خصوص ترویج فرهنگ دینی استفاده نمود. لکن نباید فراموش کرد که همه این پرداختها باید با التزام به رعایت شئون در همه ابعاد و نیفتادن به خلاف مرام اسلامی و مذهبی انجام

گیرد»^۱

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
خطاب به هنرمندان می‌فرماید:

منظور از رعایت شئون خاص، که در اینجا بر آن تأکید
شده، عبارت است از: در نظر گرفتن موقعیت و جایگاه
واقعی و عرفی آن و فیلم باید آن را بدان گونه که
هست تبیین و ارائه کند و صرف اهداف تبلیغی و
ترویج آن نمی‌تواند توجیه‌گر کاستیها در پرداختن
درست به موضوعات یاد شده باشد. گاهی محتوا
تکنیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یعنی یک
محتوای خیلی خوب، ضعف تکنیک را جبران می‌کند
و بیننده آنچنان جذب محتوا می‌شود که متوجه ضعف
آن نمی‌شود. بنابراین، من می‌خواهم بگویم در فیلم و
سینما اصل برای ما پیام است.^۲

فیلم مفسده‌انگیز

فساد در برابر صلاح است، و فیلمی را فسادآور و
مفسده‌انگیز می‌گویند که موجب می‌شود مردم از جهت
اخلاق، آداب اجتماعی، باورهای دینی و شرعی و به

۱. اجوبة الاستفتاءات، آية الله خامنه‌ای، ج ۲، ص ۴۹ و ۵۰.

۲. هنر دینی، فصلنامه، ش، ۹، ص ۵۵.

طور کلی آن چه که در ارتباط با شئون زندگی است، از اعتدال خارج گشته در معرض آسیب قرار گیرند. این شرایط، زمانی پدید می‌آید که فیلم از جهت محتوا مروج فسق و تشویق به گناه، رفتار و کردار نادرست باشد، و یا عقاید نادرست و منحرف در آن به طور آشکار یا پنهان تبلیغ گردد.

از نظر فقه این گونه فیلم‌ها علاوه بر این که به خاطر مفسده‌انگیز بودن جایز شمرده نمی‌شود، از این جهت هم که فاقد ارزشهای معنوی و مادی است، مصداق لُهو و لغو و بیهوده شمرده می‌شود.

در برخی از منابع فقهی، شرور هم از مصادیق فساد شمرده شده است. فساد عبارت است از ترویج و نشر هر گونه شرور و فسق در بین مردم. اگر شرور را مترادف و هم‌معنا با فسق بدانیم، در واقع هر دو به معنای انجام عملی است که منتهی به خارج شدن از طاعت و نادیده گرفتن دستورات دینی است. به طور کلی، شرّ با این که به یک معنا شامل تمام اعمال مخالف شرع است، در یک نگاه دقیق‌تر، عبارت است از هر گونه عملی که به عمل شیطانی توصیف می‌شود. مصداق آن را در

فیلم‌هایی می‌توان یافت که در اصطلاح معروفند به ژانر وحشت، قاتلین مادرزاد، دراکولا و غیره.

تأکید فقها، بر این که در پرداختن به زندگی ائمه و معصومین علیهم‌السلام در آثار نمایشی باید قداست و حریت و مقام و منزلت آنها مورد هتک حرمت قرار نگیرد. به نوعی بیانگر توجه آنها بر ساختار است؛ زیرا قداست و یا حریم امامان معصوم علیهم‌السلام و بزرگان صاحب مقام، زمانی از هتک حرمت دور خواهد ماند که موقعیت این بزرگان در همه مراحل و عناصر فیلم مد نظر قرار بگیرد. در واقع قداست در ماهیت و حقیقت، چیزی جز پرهیز از به کار بردن نمادها و نشانه‌ها در ساختار فیلم نیست. به تعبیر دیگر، ملاحظه تناسب موضوع و محتوا با سازه‌هاست. امروزه در کشورهای غیر مسلمان نیز روحانیون مسیحی بر این تناسب تأکید می‌کنند. فیلم‌هایی که تا کنون در ارتباط با زندگی حضرت مسیح علیه‌السلام ساخته شده است بدون استثناء توجه به ارزش‌ها در شخصیت‌پردازی، هنرپردازی، نور، رنگ، محل فیلم‌برداری، حتی سرعت فیلم مد نظر بوده است. در فیلم عیسی بن مریم علیه‌السلام (ساخته زیفرلی) دوربین

همیشه حضرت عیسی را از پایین تصویربرداری کرده و از نظر مخاطب غالباً عیسی مسیح با شکوه و مسلط بر مردم و شرایط دیده می‌شود.* و یا در مواردی برای رساندن چنین پیامی، از کوه، درخت تنومند و آسمانی آبی بهره جسته‌اند؛ که بیانگر اصالت، استقامت و پاکی است. همین‌طور ریتم (سرعت) فیلم نیز همواره نشانگر معنا و مفهوم خاص است.

حقوق بازیگران

افکار و شخصیت بازیگر فیلم ویژگی و شخصیت قهرمان را به مخاطب انتقال می‌دهد. بازیگری در عین حال که از حیث هنری، حرفه‌ای حایز اهمیت است، به لحاظ جایگاه معنوی نیز شرایطی حساس و قابل توجه دارد. به همین خاطر جایگاه بازیگری از نظر فقهی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و قابل دقت و بررسی است.

*. توجه به این مسائل بیشتر در سینمای کلاسیک بوده و امروزه به دلیل فراگیر شدن تکنولوژی علاوه بر این نمادها از عناصر دیگری نیز استفاده می‌شود؛ حرکت‌های خارق‌العاده، اوج‌گیری و استفاده از هاله نور از جمله موارد نمادین و سمبلیک در فیلم به شمار می‌آیند.

بازیگر وقتی از حیث حقوقی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، به منزله کسی است که زیر نظر کارفرما کار می‌کند. پس روابطی که بین کارفرما و سایر عناصر کاری در یک پروژه جاری می‌گردد، در بین آنها نیز حکم فرماست. این رابطه گاهی از حیث حقوق مادی است که بر اساس قرارداد قابل اجرا و پرداخت است و یک بار از نظر حقوق انسانی است که مشخصه‌های آن را روابط انسانی و اجتماعی تعیین می‌کند.

۱. به لحاظ حقوق مادی، بازیگران پیش از آنکه در صحنه بازی حضور یابند باید از نظر جانی به مقررات بیمه بپیوندند و یا تهیه‌کننده و کارگردان باید به طور کتبی مسئولیت خود را در برابر هر گونه حوادث احتمالی که در بازیها نیز دور از ذهن نیست اعلام دارد. البته چنین عملکردی بستگی به متن قرارداد دارد.

۲. تهیه‌کننده و کارگردان باید در بازی گرفتن بازیگران حجم کار و ظرفیت و توانایی بازیگر را در نظر بگیرند.

۳. باید ایمنی محیط بازی را فراهم نمایند.

۴. مسئول کار باید از آنچه که در مفاد قرارداد قید

شده تخلف نکند. از نظر فقهی موارد یاد شده مشمول دستوراتی است که در احکام اجاره عمل انسان مطرح شده است و بر طبق آنچه که در فتاوای مراجع آمده، رعایت موارد فوق ضروری و واجب است. در صورت تخلف کارفرما از موارد یاد شده، قانون از بازیگر حمایت می‌کند.

موضوع دیگر در ارتباط با بازیگر مسئولیت بازیگر در مقابل نقشی است که به عهده گرفته است؛ هر گونه کم‌کاری، سستی و یا فراهم نیاوردن حس لازم در ایفای نقش بازیگر، اگر به عمد و مبتنی بر غرض‌ورزی باشد و بدین سبب ضرری متوجه تهیه‌کننده گردد، باید ضرر تهیه‌کننده را جبران کند و البته چگونگی این مسئله باید بر طبق توافق قبلی طرفین باشد.

به طور کلی تهیه‌کننده و بازیگر، علاوه بر رابطه یاد شده، از نظر وجدانی نیز مسئول هستند و باید با پایبندی به مقررات انسانی و اخلاقی، در حفظ حیثیت و موقعیت‌های حقیقی و حقوقی همدیگر بکوشند.

دیدگاه فقهی امام خمینی رحمته‌الله در ارتباط با اجاره عمل انسان، که شامل عوامل بازیگری نیز می‌گردد،

بسیار حائز اهمیت است که بخشی از آن به جهت ضرورت بیان می‌گردد.

مسئله: اگر فردی برای انجام کاری مشخص، در وقت معین، خود را با تعهد اجاره عمل در اختیار کسی قرار داد. کار کردن او برای خود و یا برای شخص دیگری در مدت زمانی که قرارداد بسته جایز نیست، مگر آنکه کار دوم به عمل به مفاد قرارداد منافات نداشته باشد و کار دوم برای خود یا دیگری باید به لحاظ ماهیت متفاوت با کار اول و در خارج از وقت تعهد وی باشد.

این مسئله شامل مواردی است که طبق قرارداد باید عاملین خودشان به انجام آن عمل بپردازند لکن اگر چنین شرایطی در جایی باشد که در آنجا جایی برای جایگزین کردن دیگران وجود داشته باشد، به نیابت خود می‌تواند دیگری را برای آن کار جایگزین کند. مفاد آنچه که در مسئله ۲۹ و مسئله ۳۳ احکام اجاره تحریر الوسیله آمده شامل موارد این گونه است.^۱

منظور از جایگزینی در بازیگری شامل مواردی است که بازیگر دست به عمل فوق العاده‌ای می‌زند که به

۱. تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۱، احکام اجاره.

جهت نداشتن مهارت و یا ترس و امثال آن از عهده آن کار بر نمی‌آید و برای انجام برخی از صحنه‌ها به جای او از عناصر معروف به «بدل‌کاران» استفاده می‌کنند. در این گونه صحنه‌ها به دلیل اینکه چهره بازیگر معلوم نیست، جایگزین کردن فرد دیگر امکان‌پذیر است.

در برخی از کشورها نیز جایگزین کردن بازیگر گاهی به جهت مسائل اخلاقی و عرفی صورت می‌گیرد. در بعضی از فیلم‌ها موقعیتهایی وجود دارد که افراد پایبند به اخلاق از قرار گرفتن در آن موقعیت پرهیز می‌کنند. در چنین شرایطی جایگزینی افراد امر نامتعارف و نامشروع نیست.

بنابر فتوای امام خمینی علیه السلام «اگر برای کاری... بدون این که مقید به مباشرت خودش باشد اجیر شود آنگاه شخص دیگری آن کار را از طرف او (مستأجر) تبرّعاً (مجانی) انجام دهد. این به منزله کار خود اوست. پس مستحق اجرت قراردادی می‌باشد و اگر آن شخص کار را از طرف مالک تبرّعاً انجام دهد مستأجر مستحق چیزی نمی‌شود.»^۱

چنانچه در مباحث اجاره عمل انسان آمده است، مشروعیت عمل و به کار گرفتن فرد در فعالیت هایی که مباح می باشد صحیح است و انسان نمی تواند خود را برای عمل غیر مباح در اختیار دیگری قرار دهد. به اتفاق همه مراجع حتی اقدام بر مقدمات حرام نیز حرام است.

گرفتن اجرت برای این قبیل امور که عرفاً همانند کارگری نیست و یا مصداق فعالیت های فکری نیز به شمار نمی رود، از نظر مراجع، بهترین ملاک، عرف و توافقی است.

بازیگری در نقش معصومان علیهم السلام

در بحث بازیگری، مسئله فقهی دیگر مربوط به بازیگری در نقش معصومان علیهم السلام است. این مسئله پیش از آنکه به لحاظ فقهی حائز اهمیت باشد از نظر باورهای مذهبی مورد بحث قرار گرفته است. به نظر می رسد کسانی که حکم به جایز نبودن بازی در نقش معصومان علیهم السلام را داده اند به روایاتی که در نهی از هتک حرمت معصومان علیهم السلام وارد شده استناد جسته اند. اما

تعیین این که در کجا و در چه صورت هتک حرمت محقق می‌شود، کار مشکلی است. امروزه برخی با ابتکاراتی چون به کار گرفتن بازیگری غیر حرفه‌ای و ناشناخته و یا با بهره جستن از هاله نور و جلوه‌ها، ظهور در نقش معصومان علیهم‌السلام را، به گونه‌ای که هیچگونه هتک حرمت یا تحقیر و تنقیص آنان نباشد، فراهم ساخته‌اند، هر چند فتاوای غیر مشهوری نیز وجود دارد، که ظاهر شدن در نقش معصومان علیهم‌السلام را همانند تعزیه‌خوانی که با تمهید شرایط متناسب باشد، جایز شمرده‌اند.

از نظر فقها، ظاهر شدن در نقش ائمه علیهم‌السلام در تعزیه‌خوانی‌ها در صورتی که سبب بی‌احترامی به آنها یا پایین آوردن مقام و منزلت آنان نباشد و نیز سبب بی‌احترامی دیگران به ائمه شیعه و شیعیان و مکتب تشیع نشود، جایز است.

حضور زن در فیلم

از قرآن و روایات برمی‌آید که معاشرت زنان و مردان در عرصه‌های زندگی با مراعات حجاب و عفت جایز و به دور از اشکال و ایراد است و آنچه از روایات درباره

محدود ساختن زنان آمده مربوط به شرایطی است که حضور زن در عرصه‌ای این‌چنین بدون مراعات حجاب لازم و بدون حفظ عفاف یا همراه با رفتاری باشد که موجب پدید آمدن فساد و یا آسیب دیدن خود زن می‌شود. این بحث شامل همه عرصه‌های زندگی، از جمله هنر است. بنابراین، زن در عرصه سینما و فیلم اگر به عنوان همسر و یا دختر و یا در هر نقش دیگر با مردان بیگانه هم‌بازی شود و این امر موجب؛

- نگاه نامحرم با قصد لذت به دست و صورت زن؛

- یا نگاه به سایر قسمت‌های بدن وی.

- یا موجب تحریک شهوت.

- یا مفسده دیگری از جمله ضربه زدن به عفت

عمومی جامعه باشد، جایز نیست. ولی چنانچه همراه با این‌گونه امور نباشد و این دست مسائل را در پی نداشته باشد، هم‌بازی شدن با نامحرم یا گفتگو با او اشکال ندارد.^۱

ناگفته نماند که در صورت امکان، استفاده از مردان و زنان محرم و همسر یکدیگر بهتر است و نقش‌آفرینی

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص کتاب النکاح، ص ۲۴۳، م ۱۷ تا ۲۰.

بهتری نیز خواهند داشت. البته مسئله رعایت شئون دینی و توجه به موازین و مقررات شرعی در همه موقعیتهای ضروری است.

از نظر فقه حضور زن در عرصه سینما در صورت نیاز و مراعات حدود و مقررات دینی مجاز است. آنچه از نگاه فقها قابل بحث بوده چند محور اساسی و مهم است که به تفصیل مرور می کنیم:

۲. پوشش

یکی از ضروریات اسلام برای زنان پوشش است. پوشش هر چند به لحاظ مصداق متفاوت است، لکن آنچه مسلم است زنان باید به جز صورت و دستهایشان تا میچ، سایر اعضای بدن خود را از نگاه مردان نامحرم بپوشانند و به لحاظ نوع پوشش نیز از لباسهایی که زمنیه ساز تحریک می گردد، پرهیز کنند. این حکم شامل همه شرایطی است که زن در آن قرار می گیرد؛ اعم از حضور او در سینما، تئاتر یا سایر عرصه های اجتماعی دیگر، زیرا آنچه در این حکم عنوان شده است واجب بودن اصل پوشش در برابر افراد نامحرم است. نه

پرهیز از حضور در عرصه‌های اجتماع.

امام خمینی رحمته‌الله می‌گوید:

پوشش هر گونه لباسی که جلب توجه نامحرم می‌کند، حرام است. مسئله مهیج بودن ممکن است به خاطر رنگ آن باشد یا مدل آن یا جنس لباس و یا چیز دیگر.^۱

در تشخیص تهییج، نظر و نگاه عرف عمومی مدّ نظر است؛ نه ذائقه‌ها که گاهی به جهت بیماری دلهاست. س: آیا حجاب تنها چادر است؟ یا مانتو و شلوار همراه با روسری بلند یا مقنعه هم حجابی کامل است؟ و آیا ظاهر شدن با لباس گشاد و روسری بلند که بر روی شانه‌ها بیفتد از لحاظ اسلام حجاب نیست؟

ج: زن باید تمام بدن را - به استثناء دست‌ها تا مچ و صورت - از مرد نامحرم بپوشاند و در حجاب لباس خاصی معتبر نیست، اگر چه پوشیدن چادر بهتر است و از لباس‌هایی که جلب توجه نامحرم کند، اجتناب شود.^۲

۱. استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۲۵۳، س ۲۴.

۲. احکام روابط زن و مرد، به نقل از احکام ازدواج، ص ۱۹۴.

از نظر فقها، رنگ لباس یا چگونگی آن به لحاظ تنگ یا گشاد بودن، معیار و ملاک پی آمدهای آن است و در صورت داشتن مفسده و جلب توجه جایز نیست.

۱. بازیگری بانوان

از نظر اسلام، یکی از مهمترین مسائل ضروری در زندگی بانوان حفظ حجاب و عفاف و پاکدامنی اوست که با مراعات این مسأله می‌تواند به عنوان عضوی فعال و در خور شأن فردی و اجتماعی خود راه سعادت و کمال را بپیماید. اهمیت این مسأله تا جایی است که اجازه نمی‌دهد فدای امور دیگر بشود، لذا بازیگری بانوان در نمایش‌ها یا فیلم‌ها با مراعات حجاب و عفاف و در پی نداشتن مفسده اشکال ندارد.

۳. محارم فرضی

یکی دیگر از مسائل مورد بحث در معاشرت زنان و مردان در صحنه‌های فیلم، محرم‌های فرضی است. در برخی از صحنه‌ها زن و مرد در کنار هم قرار می‌گیرند و به جهت این که نمایش برای بیننده نزدیک به واقعیت تلقی گردد، معمولاً این حضور و معاشرت با ابراز

احساسات انجام می گیرد. از نظر فقها در این گونه معاشرت ها دو بحث مطرح است:

اول این که، اصل معاشرت، به خاطر این که در خلوت انجام نمی گیرد، و ساختگی بودن آن روشن و مسلم است، بعید است که مصداق «ترس از افتادن به فساد» باشد.

مسئله دوم، حکم ابراز احساسات زن و مرد نامحرم به یکدیگر در صحنه فیلم و حدود آن است. این ابراز احساسات باید به گونه ای باشد که زمینه قرار گرفتن در شرایط لذت جویی و ریبه را فراهم نسازد. زن و مرد، برادر و خواهر، پدر و دختر فرضی در این مسئله هیچ تفاوتی با هم نمی کنند. از نظر فقه مرز حلال و حرام در این مسئله نداشتن یا داشتن قصد لذت و عدم تحریک شهوت و نداشتن مفسده است که تمام این قیود باید لحاظ شود، و در نگاه به یکدیگر نیز حدود شرعی باید مراعات شود و از لمس بدن یکدیگر باید پرهیز کنند و اگر زن و مرد بیگانه به جهت محرمیت فرضی در شرایطی قرار می گیرند که باید همدیگر را لمس کنند مثلاً شرایطی چون کمک کردن زن در یک پرتگاه و یا

در القاء صحنه‌ای از تصادفات یا زلزله و غیره با شرایطی که پیشتر گفته شد اشکال ندارد. در قرآن آمده است:

«به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس‌آلود فرو گیرند. و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را آشکار ننمایند و روسری‌های خود را به سینه افکنده و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان.»^۱

این دستور قرآن و یکی از احکام اسلام است، که همه فقهای اسلام بدون استثناء به آن فتوا داده‌اند.

۴. حدود گفتگو

زنان و مردان نامحرمی که در کنار هم و در یک محیط، کار و فعالیت کرده و در صحنه‌های فیلم و نمایش به عنوان زن و مرد فرضی نقش ایفا می‌کنند. چنانچه پیشتر نیز اشاره گردید، این حضور در نمایش محرمیت فرضی باید دور از نزدیک شدن به همدیگر و قرار گرفتن در مسیر گناه باشد.

در قرآن صریحاً آمده است که:

«به هنگام سخن، صدا را نازک و شورانگیز نکنید که

سبب طمع بیمار دلان گردد.»^۱

این آیه، در حالی که دلیلی برای حرام بودن گفتگو با مردان با ناز و کرشمه است، به اعتبار مفهوم نیز از جمله دلایل جایز بودن اصل گفتگو بین زنان و مردان به شمار می آید؛ چرا که آنچه در آیه، مورد نهی قرار گرفته، گفتگو نیست، بلکه ناز و کرشمه کردن است.

۵. حدود تماس بدنی

فقههای شیعه در این مسئله اتفاق نظر دارند که: زن و مرد نامحرم نمی توانند با همدیگر دست بدهند، و هیچ فقیهی حکم به جایز بودن آن نداده است. ناگفته نماند که این اتفاق نظر فقها در شرایط عادی و به دور از ضرورت است. تشخیص ضرورت در فقه به عهده عرف و در برخی از شرایط نیز بر عهده عقل سلیم است. تاکنون هیچ کدام از فقها نمایش فیلم را مصداق ضرورت ندانسته اند. برخی از کارشناسان برای حل این مشکل پیشنهاد می کنند در فیلم هایی که تماس مرد و زن لازم و حتمی است، باید شخصیت هایی انتخاب شوند که با

همدیگر محرم واقعی هستند. برخی نیز راه بهره جستن از تکنیک را پیش پای فیلمسازان قرار می‌دهند.

از نظر امام خمینی علیه السلام هر کسی که نگاه کردن به او جایز نیست، تماس بدنی با او نیز جایز نیست، حتی دست دادن (مصافحه) مگر از روی لباس و احتیاط آن است که دست یکدیگر را فشار ندهند.^۱

بنابر احتیاط واجب، مردان نباید دختران نامحرم بزرگتر از شش سال را بغل کنند و روی پای خود بگذارند یا ببوسند.^۲

س: عده‌ای از خواهران در جزیرهٔ هرمز هستیم. در بعضی مواقع که مجبور می‌شویم دست خود را به دست نامحرم بدهیم (مثلاً گاهی می‌خواهیم از اسکله به قایق برویم و برای این کار ناچاریم دست خود را به دست مرد نامحرم بدهیم).

ج: اگر ممکن است در چنین مواقعی دست خود را با پارچه‌ای بپیچید، در صورتی که پیچیدن دست ممکن نباشد، در مواقع

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۴۳، م ۲۰.

۲. همان، مسئله ۳۶.

ضرورت، برای حفظ جان، بدون قصد ریه
 مانع ندارد دست نامحرم را با دست
 بگیرید.^۱

۶. نگاه کردن

نگاه کردن زن و مرد نامحرم به همدیگر در صورتی
 که پوشش لازم اسلامی را داشته باشند و هیچگونه
 قصد لذت نداشته باشند جایز است.^۲

نگاه به دست و صورت زن، چنانچه خالی از
 زیورات و آرایش باشد اشکال ندارد، و در صورت وجود
 زینت در دست و صورت، به آن جایز نیست.

نگاه کردن به هر چیزی یا هر کسی به قصد لذت؛ مرد
 باشد یا زن، عکس باشد یا فیلم یا هر چیز دیگری
 حتی نگاه کردن به بدن خود در آئینه و یا در هر جای
 دیگر به قصد لذت و شهوترانی حرام است.^۳

لازم به یادآوری است که بین نگاه کردن و افتادن
 قهري نگاه به نامحرم، تفاوت وجود دارد. افتادن نگاه به

۱. استفتائات، امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۳، ص ۲۶۸، س ۴۵.

۲. توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۴۳۷.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۴۳، م ۱۵ تا ۱۹.

نامحرم حتی در صورتی که حجاب خود را رعایت نکرده است، خالی از معصیت است. زیرا این چشم افتادن، بدون قصد و اراده بوده است. ولی نگاه کردن، نگاهی است که از روی قصد و اراده فرد است.

نگاه کردن به زنان نامحرم غیر مسلمان، به جاهایی که به طور متعارف آن را نمی پوشانند، اشکال ندارد؛ به شرط آن که به قصد لذت نباشد.^۱

زنان می توانند به استثنای جایی که باید پوشیده باشد به سایر قسمت های بدن زن دیگر نگاه کنند، مشروط به این که در آن قصد لذت و ریه نباشد.^۲

س: دیدن فیلم هایی که در آنها زنان و دختران بی حجاب بازی کرده اند، چه صورتی دارد؟

ج: اگر آنها را نمی شناسد و دیدن آنها مفسده ندارد جائز است.^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. استفتاات، امام خمینی، ج ۳، ص ۲۶۲.

ریبه و لذّت بردن

در کتابهای لغت و فقه، برای ریه معانی متفاوت آمده است. برخی نوشته‌اند ریه یعنی ترس از وقوع در حرام در اثر نگاه کردن، یعنی حالتی که در اثر نگاه به نامحرم به ذهن و دل انسان خطور می‌کند.^۱

صاحب جواهر با تأیید این معنا نوشته است: ظاهراً مراد از ریه، ترس و وقوع در حرام است و شاید از این معنا تعبیر به خوف فتنه شود.

در کتاب اقرب‌الموارد نیز همین معنا عنوان شده است. برخی ریه را به معنای ترس از فریفته شدن گرفته‌اند. برخی نیز خطورات ذهنی بعضی از صحنه‌های حرام که از نگاه به نامحرم پدید می‌آید را ریه دانسته‌اند، چرا که در آن صورت آنچه که در ذهن به عنوان لذّت نقش می‌بندد، خود مقدمه حرام می‌شود. از نظر فقهای شیعه، خطورات ذهنی و لذّت، در صورتی که از حرام در ذهن نقش ببندد، حرام می‌شود.

۱. کشف اللثام، فاضل هندی، ج ۲، ص ۸

تحریک جنسی

تحریک جنسی، به معنای ایجاد حالتی از هیجانات و رغبت جنسی است و این عمل از نظر احکام دینی حرام است و عمده دلیل آن نیز آیه قرآن است که به صراحت زنان را از قرار گرفتن در چنین شرایطی نهی کرده است.

«زنان هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان آشکار گردد.»^۱

منظور از آشکار شدن زینت پنهان جلب توجه اطرافیان به صداها و آوازی است که از خلخال پای زنان بلند می‌شود.

علاوه بر آیه یاد شده در قرآن، برای حرام بودن تهییج جنسی، دلایل دیگری نیز وجود دارد. آیات و روایاتی که زنان را از صداها و آوازی که از رفتار و آوازی که زنان با ناز و کرشمه نهی کرده، همه به نوعی از جهت برحذر داشتن زنان و مردان از افتادن به گناهی است که از چنین حالتی نشأت می‌گیرد.

نتیجه

بحث از پوشش و یا نگاه به نامحرم هر چند مستقیماً با حضور زن در عرصه بازیگری ارتباطی ندارد، لکن طرح این بحثها تأکیدی بر این نکته است که در نظر اسلام زن از حضور در چنین عرصه‌هایی نهی نشده است، ولی با توجه به برخی از حساسیتها و موقعیتها با طرح مسائلی از قبیل تعریف و حفظ حریم‌ها و حدود، حضور زنان را مشروط به وجود یک بستر امن و عاری از مفساد احتمالی دانسته است. زن با پای‌بندی به موازین شرعی، که این نیز در جهت سلامت و امنیت زن و اجتماع است، می‌تواند استعداد و خلاقیت خود را در عرصه هنر برای اهداف عالی انسانی، با حفظ حریم مقدس خود عرضه کند.

چنانکه اشاره گردید، در احکام فقهی مبنا این نیست که زنان و مردان در کنار هم قرار نگیرند و یا با همدیگر سخن نگویند؛ بلکه عمده توجه فقه به این نکته است که این معاشرت و این نگاه‌ها و این گفتگوها به گونه‌ای باشد که زن و یا مرد به لحاظ حیثیت انسانی و معنوی در معرض آسیب قرار نگیرند.

همانندی زن و مرد

یکی از مسائل مورد پرسش از فقه، همانند شدن زنان و مردان برای ایفای نقش می‌باشد. در برخی از فیلمها مردان با پوشیدن لباس زنان در نقش زنان ظاهر می‌شوند و در مواردی نیز عکس آن اتفاق می‌افتد. از نظر فقها، اگر چنین عملی مصداق «تشبه» - که در روایات نهی شده است - باشد، قطعاً حرام است ولی اگر این‌گونه نباشد و مفسده دیگری نیز نداشته باشد اشکال ندارد. موضوع «تشبه» یا همانندی زن و مرد در کتاب‌های فقه به طور مبسوط بحث شده است. نظر مشهور آن است که مسلماً تشبه زن به مرد و یا بالعکس آن نهی شده است ولی پوشیدن لباس جنس مخالف در برخی موارد مصداق تشبه نیست، به ویژه اگر پوشیدن لباس به جهت اهداف مشخصی باشد و دلایل و قرائن کافی بر ساختگی و نمایشی بودن آن در بین باشد که در چنین صورتی به هیچ عنوان نمی‌توان آن را مصداق تشبه دانست.

س: آیا پوشیدن چیزی که مخصوص زنان است توسط مردان و بر عکس در خانه بدون قصد تشبه به جنس مخالف جایز است یا نه؟

ج: تا زمانی که آن را به عنوان لباس برای خود

انتخاب نکرده باشند، اشکال ندارد.^۱

س: حکم پوشیدن لباس زنانه برای مردان و برعکس

در تئاتر و فیلم های سینمایی چیست؟ همچنین تقلید

صدای زن توسط مرد و برعکس چه حکمی دارد؟

ج: «پوشیدن لباس جنس مخالف و تقلید

صدای او هنگام بازیگری و بیان

خصوصیات یک شخص حقیقی، اگر سبب

فساد نگردد بعید نیست که جایز باشد.»^۲

گریم و آرایشگری

یکی از عناصر مهم در بازیگری گریم و آرایشگری

است. از نظر فقه این مسئله در ابعاد گوناگون مورد بحث

واقع شده است. در فقه آرایشگری، یکی از مسائلی که

مطرح شده، آرایش کردن مردان و استفاده از وسایل

آرایش زنانه است. برای مثال؛ برداشتن موی ابروها،

استفاده از پمادهای سفید کننده، کشیدن ریمل و

۱. رساله اجوبة الاستفتاءات، ترجمة فارسی، ص ۳۰۵، س ۱۳۶۸.

۲. اجوبة الاستفتاءات، ج ۲، ص ۵۰، س ۱۳۹.

سرمه به چشم، یکی از ابتدایی‌ترین کارها در صحنه نمایش به شمار می‌رود. از نظر فقه این مسائل جایز است، چرا که هدف از همه این کارها از پیش مشخص و معین است. البته باید ضرورت آرایش مردان، به گونه یاد شده، از طرف تهیه کننده و کارگردان احراز شده باشد. این ضرورت، مبنای فقهی آن به شمار می‌آید. در بحث آرایش و گریم، استفاده از ماسک و کلاه گیس نیز یکی از مسائل مورد سؤال از فقه است. این مسئله به چند وجه قابل تشریح است. از نظر فقه استفاده از کلاه گیس زنانه برای مردان که آن‌ها را به زنان شبیه می‌سازد ابتدائاً جایز نیست، لکن وقتی این امر برای هدف مشخصی صورت می‌گیرد، خالی از اشکال می‌گردد. بنابراین، حتی مردان می‌توانند با استفاده از چنین شرایطی نقش زنان را ایفا کنند. اما استفاده از کلاه گیس زنان برای زنان با اشکال برخی از فقها روبرو شده است. دلیل آن دسته از فقها این است. که زنان علی‌رغم این که با پوشیدن کلاه گیس از دیده شدن موی سر خود پرهیز می‌کنند، لکن این مسئله به لحاظ این که برای مخاطب مشخص نیست، تبعات منفی و

احیاناً مفسده دارد. برخی با در نظر گرفتن این شرایط، حضور زن را با کلاه گیس در نقش‌ها جایز نمی‌شمارند. چنانکه اشاره شد، این حکم ثانوی مسئله است. در حکم اولیه حضور با کلاه گیس اشکالی ندارد.

فقه صحنه

فقه صحنه، شامل طراحی صحنه؛ اعم از دکور و وسایل صحنه و نورپردازی است. این عناصر از این جهت اهمیت می‌یابند که هر کدام در جایگاه خود نمادین و نشانه‌هایی برای انتقال مفهوم خاص هستند. در نورپردازی چنانکه سیاه و سفیدی بیانگر تضاد است، نور شدید، سایه شدید و یا نورهای رنگین هر کدام برای بیان یک معنا در نظر گرفته می‌شوند.

از طرفی به جهت این که پدیده نور به لحاظ اعتقادی و فرهنگی نیز نمادین است، برای فقه اهمیت ویژه پیدا کرده است. فقه همان‌طور که در مناسبات ساختاری برای مفاهیم مختلف سازه‌های متناسب با خود را توصیه می‌کند، در نورپردازی نیز به رنگ و میزان درجه نور توجه دارد. از نگاه فقه، اگر در نمایش، تناسب

موضوع و نور به هم بخورد و در نتیجه مفاهیم القایی به گونه‌ای غیر واقعی منتقل شود، به لحاظ تبعات جانبی، مبنای جایز بودن و یا جایز نبودن آن شکل می‌گیرد. باید توجه داشت که تصور چنین فرضی تنها در مفاهیم خاص دینی و ارزشی است. برای مثال، وقتی این مسئله قطعی می‌شود که نور در برخی از صحنه‌ها و پیش‌زمینه‌ها بیانگر افکار و یا عواطف و احساسات یک شخصیت است، باید توجه داشت که در بیان احساسات یک شخصیت ارزشی از به کار بردن نور نامناسب پرهیز کرد. همچنین است در القای معنا و مفهوم یک واقعیت دینی، تاریخی و اجتماعی که با حیثیت یک فرد یا اجتماع گره خورده است.

عوامل نورپرداز به لحاظ موارد فوق پاسخگو شناخته می‌شوند. این مسئله در بحث «زاویه دوربین» نیز مطرح است. زیرا پوشیده نیست که از نگاه حرفه‌ای زاویه‌بندی و قاب‌بندی تصاویر هر کدام در جایگاه خود شرایط و موقعیت سوژه را تعریف می‌کنند؛ حتی در برخی از سبک‌ها دوربین با تعیین میزان فاصله‌اش با سوژه یا با نوع حرکت همچنان نقش‌ساز می‌شود.

در بحث صحنه، باید پیرامون دکور و نوع طراحی صحنه و همچنین وسایل موجود در صحنه نیز دقت کرد و نباید از توان و قدرتی که این عناصر در انتقال مفاهیم دارند غافل شد. در یک صحنه همان طور که وجود «تصویر ستاره داوود» در گوشه یک اتاق موقعیت محیط و حتی باور دینی آدمها را مشخص می‌سازد و یا یک طرح هندسی از موقعیت جغرافیایی و هویت ملی خبر می‌دهد؛ این‌گونه موارد نمی‌تواند از نظر فقه کم اهمیت باشد.

فقه ارزیابی

فیلم پس از تولید و پیش از مرحله پخش در واحدی به نام واحد ارزیابی تحت بررسی قرار می‌گیرد، تا با اطمینان از نبود عیب و نقص در محتوا و خالی بودن آن از اشکالات فنی به نمایش گذاشته شود. این مسئله نه تنها در ایران، بلکه در همه کشورهای جهان اعمال می‌شود. در کشورهای پیشرفته صنعتی فیلمها با در نظر گرفتن شرایط سنی نیز طبقه‌بندی می‌شود. در ایران به جهت این که سیاست‌گذارها عموماً در راستای

هدایت و ارشاد اجتماع به سمت رشد و کمال است، یک فیلم پیش از آن که به مرحله تولید برسد در مرحله فیلمنامه ارزش‌گذاری می‌گردد. با همه اینها، از آنجا که سینماها و تلویزیون بخشی از برنامه‌های خود را از سایر مراکز تولید، اعم از بخش خصوصی و یا کشورهای دیگر، تأمین می‌کنند باید محتوا را مورد توجه قرار دهند.

محتوای فیلم - در همه انواع آن - باید متناسب با فرهنگ اسلامی و نیازهای این جامعه باشد و نمایش آن هیچگونه مفسده فردی و اجتماعی در پی نداشته باشد.

مراجع تقلید در این مسئله اتفاق نظر دارند که تمام پدیده‌های فرهنگی و هنری اعم از کتاب، برنامه‌های رادیویی و فیلم در صورتی که موجب انحراف و مفسده و سست کردن اعتقادات، ایجاد بدبینی نسبت به ارزشها و باورهای دینی و سنتی، پدید آمدن یأس و ناامیدی در افراد و همین‌طور ترویج پوچگرایی، اتلاف وقت انسان‌ها، تحکیم و ترویج شعبده‌بازی یا القاء باورهای خرافی باشد، به نوعی مصداق «لغو و عمل غیر مجاز» تلقی می‌شود.

موسیقی فیلم

از نظر شرع مقدس اسلام عواملی که موجب حرام شدن موسیقی می گردد عبارت است از: متناسب بودن با مجالس لهو و گناه و مطرب بودن. بنابر نظر فقها اگر موسیقی به دور از موارد یاد شده باشد، گوش دادن به آن اشکال شرعی ندارد و می توان در اهداف حلال از آن بهره جست.^۱

تشخیص موضوع و مصداق، که آیا این موسیقی از ویژگی های فوق برخوردار است یا نه، بر عهده عرف است. هر موسیقی که به نظر عرف موسیقی لهوی مطرب و مناسب مجالس عیش و نوش باشد موسیقی حرام محسوب می شود. و تفاوتی نمی کند که این موسیقی چه عنوانی داشته باشد و یا متعلق به کدام سرزمین باشد.^۲

«موسیقی مطرب و لهوی آن است که به سبب ویژگی هایی که دارد انسان را از خداوند متعال و فضایل اخلاقی دور نموده و به سمت بی بند و باری و گناه سوق می دهد و مرجع تشخیص موضوع، عرف

۱. اجوبة الاستفتاءات، ترجمه فارسی، ص ۲۵۱، س ۱۱۴۳.

۲. همان، ص ۲۴۷، س ۱۱۲۷.

است.»^۱

مطرب بودن نیز عرفاً در شرایطی است که صرفاً به جهت عیش و نوش برگزار می‌گردد و معیارها و ملاک‌های عقلایی در آنجا رعایت نمی‌گردد.

«به کارگیری ابزار موسیقی در غیر این موارد که شامل بهره‌برداری مفید و عقلایی در سرودهای انقلابی، اجرای برنامه‌های فرهنگی مفید است... اشکال ندارد و همچنین آموختن و یاد دادن نوازندگی برای امر فوق فی نفسه اشکال ندارد.»^۲

معیارهای یاد شده در مشروعیت موسیقی شامل هر نوع موسیقی می‌شود. در این خصوص تفاوتی بین موسیقی سنتی، ایرانی و غیر ایرانی نیست.

لازم به گفتن است که موسیقی همراه با مراسم و آیین برخی از مذاهب و موسیقی آپرانی در مراسم کلیساهای و یا موسیقی برخی فیلم‌های موزیکال که صرفاً برای جلوه دادن به برخی حرکات هنری به دور از ابتذال می‌باشد مصداق مطرب بودن نیست.

۱. همان، ص ۲۴۸، س ۱۱۲۹.

۲. همان، ص ۲۵۱، س ۱۱۴۴.

ترانه در فیلم

در برخی از فیلم‌ها نمایش فیلم با ترانه همراه می‌شود و چه بسا خواننده این ترانه زن باشد. فیلم‌هایی که از خارج خریداری می‌شود گاهی در وسط یا آخر آنها چنین ترانه‌هایی وجود دارد. در فیلم‌های ایرانی نیز مدتی است که ترانه‌سرایی متداول شده است. این ترانه‌ها گاهی توسط مرد و گاهی توسط مردان و یا توسط مردان و زنان به صورت گروهی خوانده می‌شود. از نظر احکام دین، خوانندگی غنایی، حرام می‌باشد. آنچه در کتب لغت درباره واژه «غنا» گفته شده این است که صدا ترجیع داشته باشد. به چند استفتاء توجه فرمایید:

س ۱- غنا چیست؟ آیا غنا فقط شامل صدای انسان است، یا اینکه شامل صداهای حاصل از آلات موسیقی هم می‌شود؟

ج: غنا عبارت است از صدای انسان در صورتی که با ترجیع و طرب همراه بوده و مناسب مجالس لهو و گناه باشد که خواندن به

این صورت و گوش دادن به آن حرام است.^۱
 بعضی از ترانه‌ها در ظاهر انقلابی هستند و عرف هم
 آنها را انقلابی می‌داند ولی نمی‌دانیم که آیا خواننده،
 قصد خواندن یک ترانه انقلابی را داشته یا یک ترانه
 طرب‌آور و لهو را، با توجه به اینکه خواننده مسلمان
 نیست ولی ترانه‌های او ملی و متضمن جملاتی بر ضد
 اشغال و همچنین تحریک مردم به مقاومت است،
 گوش دادن به این ترانه‌ها چه حکمی دارد؟

ج: اگر کیفیت آنها از نظر شنونده عرفاً
 طرب‌آور و لهوی نباشد گوش دادن به آنها
 اشکال ندارد و قصد و نیت خواننده و
 مضمون چیزی که می‌خواند در این باره
 تأثیری ندارد.^۲

س: آیا خواندن سرودهای دسته جمعی خواه‌ر
 نزد برادران جایز است؟

۱. رساله اجوبة الاستفتاءات، ص ۲۴۹، س ۱۱۳۲.

۲. همان، ص ۲۵۴، س ۱۱۵۷.

ج: با مراعات حجاب مانع ندارد مگر آن که
مفسده داشته باشد.^۱

س: اگر عده ای از خواهران به طور دسته جمعی سرود
بخوانند و بر روی نوار ضبط شود و در موقع پخش، صدای
هیچکدام مشخص نباشد، استماع آن چه حکمی دارد؟
ج: اگر مفسده نداشته باشد اشکال ندارد.^۲

خرید و فروش فیلم

فیلم به عنوان یک اثر متعلق به پدیدآورنده آن
است. او حق انحصاری در خصوص اثر خود دارد و
می تواند از آن در چارچوب مقررات و قوانین جاری
بهربرداری مادی و معنوی داشته باشد؛ (مردم درباره
مال خود اختیار دارند)

بنابراین، از نظر مقررات شرعی خرید و فروش فیلم
و یا اجازه هر گونه تکثیر از آن، جزء اختیارات مالک و
پدیدآورنده آن است. در شرکت ها و سازمان ها و
نهادهای وابسته به دولت، این مراکز به عنوان سرمایه گذار

۱. استفتائات، امام خمینی، ج ۳، ص ۲۷۲، س ۵۸.

۲. همان، ص ۲۷۳، س ۶۴.

مالک فیلم شناخته می‌شوند و تهیه‌کننده و کارگردان و سایر عوامل، طرف قرارداد به شمار می‌آیند مگر این که مراکز یاد شده حق، مالکیت را به افراد واگذار کرده باشند.

نظارت بر سالن‌های سینما

آنچه که مربوط به بحث سالن‌های سینما می‌شود، شامل امنیت سالن‌ها، راحتی صندلی، پخش‌کننده‌های صدا و بهداشت آن است که علاوه بر آن که دربردارنده تعهدات شرعی به عنوان مسئله معاشرتی است از تعهدات اخلاقی نیز برخوردار است. مسلماً سینماداران در ازای وجهی که از مشتری خود می‌گیرند باید همه موارد یاد شده را به گونه مطلوب رعایت کنند و رضایت افراد را جلب نمایند. مشتریان سالن‌ها اگر در موارد یاد شده به شرایطی برخورد کردند که خارج از استاندارد و غیر متعارف بود می‌توانند وجه پرداختی خود را بازستانند. ملاک استاندارد در سالن‌ها طبق مصوبات وزارت ارشاد اسلامی با عنوان بندی سالن‌ها به درجه ۱ و ۲ هر کدام تعریف‌های خاص خود را دارند.

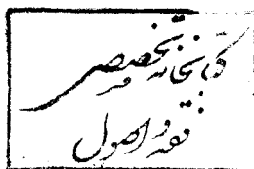
مسئله دیگری که در سالن‌های سینما مورد بحث

قرار می گیرد، مطابقت داشتن محتوای فیلم با پوستره‌های تبلیغی است که در معرض دید عموم قرار می گیرد. در این مسئله نیز هر گونه اغفال مشمول احکام شرعی است که در مباحث خرید و فروش به عنوان اغفال و نیرنگ در معاملات، مورد بحث قرار گرفته است.

به طور کلی مواردی که مسئولین سالن ها درباره آن تعهد دارند به شرح زیر است:

۱. استاندارد بودن ابزار نمایش دهنده.
۲. استاندارد بودن صدا.
۳. محتوای فیلم به دور از تکراری بودن.
۴. ثابت و متناسب بودن قیمت بلیط ها.
۵. واقعی بودن پوستر و تبلیغات.
۶. رعایت بهداشت داخل سالن.
۷. راحتی صندلی ها.
۸. امنیت داشتن داخل سالن.
۹. رعایت ساعت شروع و پایان فیلم.
۱۰. پرهیز از نمایش فیلم های جنایی و خشونت.
۱۱. مجهز بودن به وسایل آتش سوزی.

۱۲. مجهز بودن به سیستم‌های ایمنی.
 ۱۳. مجهز به وسایل گرمایشی و سرمایشی.
 ۱۴. فراهم نمودن امکانات برای خانواده‌ها.
 ۱۵. دارا بودن سالن انتظار.
 ۱۶. رعایت فاصله بین پرده و صندلی ردیف اول،
 ۱۷. رعایت فاصله بین صندلی‌ها.
 ۱۸. رعایت حال تماشاچیان.
 ۱۹. احترام لازم به تماشاچیان.
 ۲۰. تدبیر برای جلوگیری از شلوغ کاری.
 ۲۱. تدبیر شرایط برای پرهیز از سیگار کشیدن و نوشیدنی‌ها در داخل سالن نمایش.
 ۲۲. طرح بوفه در خارج از سالن نمایش،
- موارد یاد شده جزء مصوبات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و به صورت مقررات دولتی به مدیران سالن ابلاغ شده است، هر گونه تخلف از این موارد قابل اعتراض است و قانون از افراد حمایت می‌کند.
- و السلام



منابع

۱. قرآن.
۲. تحریر الوسيله، امام خمینی، ج ۱ و ۲ و ۳، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۷.
۳. استفتائات، امام خمینی، ج ۱ و ۲، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۶؛ ۱۳۸۲.
۴. مسند تحریر الوسيله، احمد مطهری، انتشارات استاد مطهری، قم، ۱۳۷۰.
۵. اجوبة الاستفتائات، آية الله خامنه‌ای، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، ۱۳۸۰.
۶. توضیح المسائل مراجع، مجموعه فتاوی مراجع معاصر، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۷.
۷. صحیفه نور، ج ۱.
۸. نظری بر اقتصاد اسلامی، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴.
۹. مصوبات و مقررات مربوط به فیلم سازی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
۱۰. حقوق آفرینش های فکری، نشر حقوقدان، تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، حسین صفایی، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۵.